

تأملی درباره شناساندن ائمه به کودکان با کتاب لازم است امانداریم

الهام اسماعیلی
نویسنده



**شخصیت
ائمه
قابلیت این
را دارد که به
عنوان**

**یک پکیج
کامل از
ویژگی های
انسان کامل
به کودک**

**و نوجوان
ارائه شود،
فقط کافی
است دست**

**از نوشتن
روایت های
تکراری
برداشته،
به منابع**

**مختلف که
برای بیان
ابعاد مختلف
زندگی ایشان
وجود دارد،
رجوع کنیم**

زمان هایی که مادر بزرگ، پدر بزرگ ها برای بچه ها قصه می گفتند تا آنها را سرگرم کنند و با قصه ها برایشان رؤیا بسازند؛ مثل این روزها نبود که همه سواد خواندن داشته باشند، کتاب کودک را بشناسند و به قوی داستان مناسب را بخوانند. از افسانه ها و اسطوره ها که به صورت شفاهی و سینه به سینه بین شان رد و بدل شده بود، برای بچه ها قصه می گفتند. با انقلاب اسلامی و فراگیر شدن جلسه های قرآنی و روضه ها بود که قصه های قرآن و پیامبران جای افسانه ها را گرفت. داستان های پیامبران نیز کم اعجاب آور نبودند. مادر بزرگ ها با آب و تاب و اشک چشم آنها را برای نوه های گفتند. از کارهایی که پیامبرها برای معرفی خدا، دین و ایمان آورن قوم شان می کردند. هبوط آدم، شکستن بت، سرد شدن آتش، ساخت کشتی و سوار شدن تمام موجودات، شکافتن دریا، دمیدن روح در گل، معراج، شکاف قمر و هزارها داستان متفاوت که آنها را با دین آشنا می کرد و البته برای کودک سرشار از شگفتی بود. روان شناس ها می گویند شنیدن قصه ها موجب می شود که بچه ها با روند کارها در بزرگسالی آشنا شده و به شرایط بحرانی که برای قهرمان قصه پیامبر خدا پیش آمده فکر کنند، تاب آوری شان به مرور افزایش یابد و با اتفاق های مختلف در آینده دچار فروپاشی روانی در نوجوانی یا بزرگسالی نشوند. از طرفی هم شنیدن قصه زمینه سازی برای آشنایی کودک با مفهوم دین، پیامبر و امام بود. کودک در یک جامعه دینی زندگی می کرد و این آشنایی کودک در زمان رسیدن به سن تکلیف شرعی با پیش زمینه روانی که از شنیدن داستان هریک از امام ها دارد، خود را آماده پیوستن به قهرمان آن قصه ها می کرد که در راه دین خدا فداکاری کرده بودند.

قصه کارکردهای مثبت زیادی دارد که یکی از آنها کمک به ساخت جهان ذهنی کودک است. خانواده ها با سطح متفاوت پایبندی به دین می توانستند از قصه و نمایش به عنوان ابزاری برای ایجاد علاقه به دین در کودک شان استفاده کنند تا او در قصه های مختلف به همذات پنداری با شخصیت های متنوع بپردازد. فرصت ناب ارتباط بی واسطه با امام از طریق شنیدن یا خواندن داستانی تاریخی بود.

اما حالا این روزها با انواع نظرهای کارشناسی و تنوع فراوان در انتشار کتاب کودک روبه رو هستیم. والدین احساس نیاز به بررسی های همه جانبه کتاب و محصولات فرهنگی قبل از رسیدن به دست و اندیشه کودک می کنند.

نگران مواجهه کودک با انواع ناهنجاری ها متناسب با فرهنگ شان و تبدیل آنها به آسیب هستند و تا حدی مانع شنیدن آن قصه ها در کودکی می شوند. با گذشت سن و بزرگ تر شدن بچه ها آنها با این حجم از تنوع محصولات کمتر سراغ کتاب و آن هم با موضوعات دینی می روند. پیدا کردن کتاب دینی

که داستان خوبی برای مخاطب کودک داشته باشد، نیز کم است، البته که تیراژ انتشار کتاب با موضوع مذهبی از سایر موضوع ها بیشتر است ولی پیدا کردن قصه ناب که شامل تمام عناصر داستان بدون نتیجه گیری و پندآموزی باشد، در این آشفته بازار سخت است. اکثر داستان های مذهبی و مرتبط با ائمه، داستان هایی از کرامت های ایشان در حق مردم یا دادن پندهای خیلی خاص به افراد در طول حیات شان بوده که کاربردی برای کودک یا نوجوان امروزی ندارد. گاه نوجوان آن را چون یک افسانه از سرزمین اعراب می خواند. کودک و نوجوان تشنه خواندن یا دیدن آنها در مדיوم سینما است. شخصیت ائمه قابلیت این را دارد که به عنوان یک پکیج کامل از ویژگی های انسان کامل به کودک و نوجوان ارائه شود، فقط کافی است دست از نوشتن روایت های تکراری برداشته، به منابع مختلف که برای بیان ابعاد مختلف زندگی ایشان وجود دارد، رجوع کنیم. این امر نیاز به یک محقق نویسنده دارد که تمایل به ساده سازی مطالب برای کودک و نوجوان داشته باشد و به ارائه تصویری جذاب از امامان برای زندگی در این عصر دیجیتال علاقه مند است.

حالا از هر سو که به کتاب نگاه می کنیم، برای شناخت امامان و ساخت ارتباط شخصی با ایشان، ابزار مطمئنی است. در خواندن کتاب و شنیدن قصه است که کودک می تواند تصویر خاص خودش از امام و جهان ذهنی با ولایت ایشان را بسازد. وقتی که تصویر شخصی ساخته شد، حالا قلاب رابطه هم ایجاد می شود، قصه هایی که بزنگاه های زندگی از این ارتباط ها ساخته می شود که این پیوند را محکم می کند. کتاب خوب می تواند اطلاعاتی در باب زندگی فردی، اجتماعی امامان دهند. کودک با خواندن داستان ارتباط عاطفی، معنوی، با امام می سازد که در آینده موجب الگوسازی درست و اخلاق مدار در زندگی او خواهد شد.

البته با خواندن کتاب است که نگاه تاریخی نسبت به دین در او شکل می گیرد. درست است که کودک و نوجوان این عصر اهل تصویر و رسانه است و کمترین میزان توجه در سال های اخیر را به کتاب دارد. ولی خوب است به او یادآوری کنیم که برای ساخت یک انیمیشن، بازی، فیلم یا هر محتوا تصویری دیگری به یک طرح نوشته شده نیاز داریم.

برای ساخت اثری تصویری از امامان و آشنا کردن کودک عصر دیجیتال با ایشان، نیاز به یک فیلمنامه، بازینامه یا یک متن تأیید شده هستیم. یعنی از هر طرف که نگاه کنیم پایه هر کدام از این موارد، داستان یا محتوا ممتنی است که از سوی یک نویسنده آشنا با هر دو فضای یعنی رسانه و ذهن کودک نوشته شده باشد. روایت یک قصه صادقانه و محققانه می تواند در باورپذیر کردن شخصیت و ارتباط با امامان بسیار مؤثر باشد.



بهترین زمان تکثیر برای بگونیا، بهار و تابستان است. برای تکثیر به روش قلمه ساقه، ابتدا باید بستر کشت با خاک سبک (پرلیت و پیت ماس) آماده کرد؛ سپس باید یکی از شاخه های گیاه (بدون گل) را به طول تقریبی ۱۰ سانتی متر به صورت اریب برش داد. برگ های انتهایی قلمه ساقه حذف شده تا انرژی گیاه صرف ریشه دهی شود. بهتر است قلمه انتخابی دارای حداقل دو گره (محل اتصال برگ به ساقه) باشد.

پس از قرار دادن قلمه در بستر کشت، باید در محیط نیمه سایه قرار گیرد؛ همچنین توجه به تأمین رطوبت به ریشه زایی بهتر بگونیا کمک خواهد کرد.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که این روش تکثیر بیشتر در گونه های بگونیا با ساقه های ایستاده و ساقه دار مثل هیمالیسی و عروس جواب می دهد.

قلمه برگ برای انواع بگونیا های خزنده با برگ های کوتاه مناسب است، مثل بگونیا مخملی یا رگس. برای این کار برگ هایی با عمر متوسط انتخاب شده و روی بستر کشت (کوکوپیت و پرلیت) قرار می گیرد. پس از آن بهتر است سطح گلدان با پلاستیک سوراخ دار پوشانده شده تا رطوبت خاک از دست نرود. بهتر است در طول این ۳ الی ۴ هفته تا ریشه دهی، محیط نگهداری گرم باشد. پس از ریشه دهی و تشکیل گیاهچه می توان گیاهچه را به گلدان منتقل کرد.

تقسیم بوته با ریشه را معمولاً در هنگام تعویض گلدان انجام می دهند و بیشتر در گونه های بگونیا رگس، مخملی و ببری مورد استفاده است. از عارضه های نگهداری بگونیا، پلاسیده شدن و بی حالی برگ ها است که می تواند به علت کمبود یا بیش بود آبیاری باشد، در صورت آبیاری کم باید آبیاری کامل صورت گیرد به طوری که آب از زیر گلدان خارج شود (در غیر این صورت فقط سطح خاک مرطوب می ماند که این موضوع به مرور باعث پوسیدگی ریشه و مرگ گیاه خواهد شد)؛ در صورت آبیاری بیش از حد هم باید اجازه داد تا خاک گلدان کاملاً خشک شده و بعد با یک برنامه آبیاری منظم شرایط گیاه را تغییر داد.

زرد شدن برگ های بگونیا؛ گاهی با توجه به تکمیل دوره رشدی گیاه صورت می گیرد و طبیعی است و گاهی هم آبیاری زیاد یا کمبود مواد مغذی خاک این عارضه را ایجاد می کند. کوددهی بیش از حد و خشک بودن هوای محل نگهداری بگونیا می تواند باعث ایجاد لکه های قهوه ای و سوختگی برگ ها باشد. از آنجایی که بگونیا به نور زیاد برای رشد و زندگی اش نیاز دارد، کمبود نور یا قرار گرفتن در محیط های تاریک رشد گیاه را متوقف می کند. از آفاتی که ممکن است زندگی بگونیا را تهدید کند، شته، شپشک آردآلود، کنه عنکبوتی، پشه سیاه و... است.

شته با مکیدن شیره گیاه، آن را ضعیف کرده و به تدریج از بین می برد. شپشک آردآلود مانند تکه های پنبه به ساقه و محل اتصال برگ به ساقه و حتی زیر برگ ها می چسبند و با مکیدن شیره گیاه ضعف و به دنبال آن توقف رشد گیاه را به همراه دارد. کنه تار عنکبوتی باعث چروک شدن برگ های بگونیا می شود؛ این نوع حشرات با چشم به راحتی قابل تشخیص نیستند اما با تغییرات گیاه می توان به وجود این نوع آفت در گیاه پی برد. برای از بین بردن این آفات در قدم اول باید اقدام به حذف بخش های درگیر کرد و عوامل بیماری و آفت را از گیاه دور کرده و سپس از سموم آفت کش و حشره کش که از جمله آن می توان به سم مالاتیون اشاره کرد، استفاده کرد.



**پیدا کردن
کتاب دینی
که داستان
خوبی برای
مخاطب
کودک داشته
باشد، نیز
کم است،
البته که تیراژ
انتشار کتاب
با موضوع
مذهبی
از سایر
موضوع ها
بیشتر است
ولی پیدا کردن
قصه ناب
که شامل
تمام عناصر
داستان بدون
نتیجه گیری
و پندآموزی
باشد، در این
آشفته بازار
سخت است**